جامعه‌شناسی تاریخی
دورهٔ ۹، شمـارهٔ ۲، پائیز و زمستان ۱۳۹٦

ارزیابی حقوق مالکیت در دوره صفویه
(با تکیه بر آراء داگلاس نورث نونهادگرا)

علی‌اکبر کجباف[۱]، اصغر فروغی[۲]، مجتبی منصوریان[۳]

(تاریخ دریافت:۱۳۹۵/۱۲/۱٤، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۹)

چکیده

حقوق مالکیت در تحلیل‌های داگلاس نورث نونهادگرا درباره رشد و افول اقتصاد جوامع در دوره‌های مختلف تاریخی نقشی کلیدی دارد. در مفهوم حق مالکیت مسأله حق اعمال انحصار مطرح است، از این‌رو هزینه‌هایی را برای مالک درپی دارد. به نظر نورث حقوق مالکیت تضمین شده‌ای که منافع آن از هزینه‌هایش بیشتر باشد، به همراه دولتی که از این نوع حقوق مالکیت حمایت کند، سبب رشد اقتصادی می‌گردد. هزینه‌های حقوق مالکیت در دوره صفویه به دلیل مسائلی مانند مالیات، مصادره و... اغلب بیشتر از منافع دارایی بوده است. از طرف دیگر دولت صفویه هم مالکیت منابع تولیدی را در اختیار حلقه فرادستان و خصوصاً شاه قرار می‌داد و تلاش می‌کرد تجارت را تحت کنترل خود درآورد. اشکال بسیار مختلفی از مناسبات زمین‌داری در دوره صفویه به وجود آمد که همه آن‌ها یک ویژگی مشترک داشتند: زمین به شاه تعلق داشت. از این‌رو دولت صفویه مانعی بزرگ در توسعه و تکامل حقوق مالکیت بوده است. هرگاه با همین نوع حقوق مالکیت ناکارآمد، امنیتی ایجاد می‌شد، اوضاع اقتصادی بهبود می‌یافت. این مقاله برآن است تا پس از بیان چارچوب نظری، ارزیابی از حقوق مالکیت در دوره صفویه را با

[۱]. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) aliakbarkajbaf@yahoo.co.uk
[۲]. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان foroughi.history@gmail.com
[۳]. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان mojtaba_mansoorian61@yahoo.com

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

توجه به ساختار و هزینه‌های حقوق مالکیت و نقش دولت به روش توصیفی- تحلیلی و براساس اطلاعات کتابخانه‌ای بررسی کند.

کلید واژگان: **حقوق مالکیت، نهاد، صفویه، دولت، داگلاس نورث. مقدمه**

پژوهشگران درباره تقسیم‌بندی تاریخی ایران و سنجش دوره صفویه با دیگر ادوار تاریخی عقیده‌های مختلفی دارند. رویمر معتقد به آغاز دوره جدید تاریخی ایران با شروع حکومت صفویان بوده، و فوران به قدرت رسیدن دودمان صفوی را نقطه عطفی در تاریخ نوین ایران می‌داند (فوران، ۱۳۸۸:٤۳). رحیم‌لو با انتقاد از رویمر معتقد است ایران در عصر صفوی وارد عصر جدیدی نشد، بلکه لطمه‌های توفان تجدد غربی به آن رسید، از این‌رو «دوره صفوی آغاز «تاریخ جدید و معاصر ایران» است و... واژه‌های «جدید و معاصر» نه به معنای معادل غربی آن‌ها، بلکه مشخص‌کننده موقعیت نامطلوب ایران و جامعه‌های همانند دیگر در تاریخ جدید و معاصر جهانی است» (رحیم‌لو،۱۳۹۳:٦۸٦).

در این پژوهش از ابزارها و مفاهیم مکتب اقتصادی نونهادگرایی استفاده می‌شود. مکتب‌های نهادگرایی قدیم و جدید به واسطه بی‌اعتنایی اقتصاد نئوکلاسیکی متعارف نسبت به نهادها ظهور یافته‌اند. شکل‌گیری اقتصاد نهادگرای جدید با مقاله کوز به نام ماهیت بنگاه در سال ۱۹۳۷م آغاز شد و اولین بار ویلیامسون این اصطلاح را در سال ۱۹۷۵م مورد استفاده قرار داد (کلین[۱]، ۱۹۹۹:٤٥٦).

داگلاس نورث از پژوهشگران مهم نونهادگراست که پژوهش‌های او سبب توجه هر چه بیشتر به نقش نهادها شده است. نورث[۲] معتقد است که برای تبیین عملکرد اقتصادی نیاز به نظریه‌ای در باب حقوق مالکیت داریم. چرا که حقوق مالکیت انگیزش‌های فردی و گروهی را در نظام مشخص می‌کند (نورث، ۱۳۷۹:۱۸).

---

۱. Klein

۲. North

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

از پژوهش‌هایی که موضوع آن‌ها به پژوهش حاضر نزدیک است می‌توان به کتاب «مالک و زارع» از لمتون، مقاله‌های «یک ارزیابی تاریخی از وضعیت حقوق مالکیت در ایران با رویکرد نهادگرایی جدید» از سعید نایب و«نهادهای غارتی در اقتصاد ایران (اگر نورث ایرانی بود)» از علی رضاقلی اشاره کرد. لمتون تنها مالکیت زمین در دوره صفویه را بررسی کرده و نایب هم تلاش کرده که با ارائه چارچوب نظری و با تکیه بر دوره معاصر بدون توجه به منابع دست اول به یک نتیجه کلی درباره ناکارآمدی حقوق مالکیت در تاریخ ایران برسد؛ رضاقلی نیز در مقاله طولانی خود ضمن تبیین نظریه نورث، آن را با داده‌های تاریخی ایران مورد ارزیابی انتقادی قرار می‌دهد. با توجه به این پژوهش‌ها مسأله اصلی این مقاله آن است که آیا حقوق مالکیت در دوره صفویه کارآمد بوده است؟ همچنین این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی درباره رابطه دولت با حقوق مالکیت و علل تأثیرگذار بر حقوق مالکیت در دوره صفویه است. فرضیه اصلی عدم وجود مالکیت خصوصی و تضمین شده به صورت گسترده در این دوره است که در این راستا فرضیات دیگری نیز وجود دارند: دولت، حقوق مالکیت را به نفع خود تعریف و اجرا می‌کرد؛ هزینه‌های بالای حقوق مالکیت از موانع تکامل مالکیت خصوصی در این دوره بوده است.

۱. چارچوب نظری

نهادها قوانین بازی در جامعه یا قرارداهای ابداع شده انسانی هستند که روابط متقابل انسانی را شکل می‌دهند. آن‌ها از محدودیت‌های غیررسمی (فتواهای دینی، محرمات، عادات و سنت‌ها، قوانین و اصول رفتاری) و قواعد رسمی (قوانین اساسی، قانون‌ها و حقوق مالکیت) و ویژگی‌های اجرایی آن‌ها تشکیل شده‌اند. سازمان‌ها در کنار نهادها قرار دارند که از گروه‌هایی از افراد تشکیل شده‌اند که هدف مشترک دستیابی به اهدافی معین، آن‌ها را گرد هم آورده است (نورث، ۱۳۸۵الف:۲۱-۱۹).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

نورث در بین اقتصاددانان بیش از هر فرد دیگری بر نقش نهادها به عنوان ابزاری برای کاهش عدم اطمینان[1] تأکید دارد (مشهدی احمد، ۱۳۹۲ :٦۳). به عقیده او نقش اصلی نهادها در جامعه این است که از طریق تأسیس یک ساختار با ثبات (اما نه لزوماً کارا) برای کنش‌های متقابل انسانی عدم اطمینان را کاهش دهند (نورث، ۱۹۹۱:۹۷). نهادها بر عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارند و سبب موفقیت و شکست ملت‌ها می‌شوند (عجم اوغلو و رابینسون،۱۳۹٤:۷۲). پس نهادها لزوماً کارا نیستند، زیرا نهادها یا دست‌کم قوانین رسمی به این منظور ایجاد می‌شوند تا در خدمت منافع کسانی باشند که برای طرح قوانین جدید قدرت چانه‌زنی دارند.

نهادها در تعیین هزینه مبادله هم نقش دارند. نورث با انتقاد از رویکرد نئوکلاسیک که هزینه مبادله را در تحلیل‌های خود در نظر نمی‌گیرند، معتقد است که هزینه‌های مبادله هزینه‌هایی شامل هزینه‌های اندازه‌گیری، حمایت از اجرای قرارداد و مجازات کسانی که قراردادها را نقض می‌کنند (متوسلی و نجفی، ۱۳۸۸:۹۲) است. نهادهای غیرکارآمدی مانند رشوه، انواع ناامنی برای مالکیت و عدم پایبندی به قرارداها، نقش جدی در افزایش هزینه مبادله و در نتیجه غیرمقرون به صرفه شدن بخش قابل توجه‌ای از مبادلات ایفا می‌کنند.

۲-۱- حقوق مالکیت و هزینه‌های آن

حقوق مالکیت شامل تصرف و بهره‌برداری از دارایی فردی است که شامل مالکیت بر هر شی ملموس یا غیرملموس است که فردی یا جمعی تحت مالکیت قرار می‌گیرد. در مجموع می‌توان گفت که «حقوق مالکیت حقوقی هستند که افراد نسبت به نیروی کارشان و کالاها و خدماتی که در اختیار دارند کسب می‌کنند» (نورث، ۱۳۸۵الف:٦٤). عجم اوغلو و رابینسون در پژوهش خود با عنوان «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» نشان می‌دهند که کشورها زمانی از دام فقر رهایی

---

[1]. عدم اطمینان به مثابه وضعیتی است که مشخص نیست چه مجموعه پیشامدهایی رخ خواهد داد. در مقابل ریسک یا مخاطره وضعیتی است که احتمال رخداد مجموعه‌ای از پیامدهای ممکن و مشخص وجود دارد (گرونیوگن و همکاران، ۱۳۹۱:۳۰).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

می‌یابند که دارای نهادهای اقتصادی مناسب و به ویژه مالکیت خصوصی و رقابت باشند (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹٤). حقوق مالکیت تضمین شده عامل اصلی تعیین‌کننده نرخ پس‌انداز و تشکیل سرمایه بوده (نورث، ۱۳۷۹:۱٦) و از طرف دیگر مالیات‌ها و مصادره کردن ساختار حقوق مالکیت را در جهت کاهش انگیزه فعالیت‌های مولد تغییر می‌دهد.

باید توجه داشت که در مفهوم مالکیت مسأله حقِ اعمال انحصار مطرح است؛ به این معنی که حق انحصار برای فرد مالک ضامن ایجاد منفعتی است و امکان تصرف غیر در موضوع مورد نظر وجود ندارد. پس باید موضوع مورد نظر قابل انتقال باشد و از طرف دیگر تأکید بر قدرت انحصاری به آن معنی است که موضوع مورد نظر قابل اندازه‌گیری است؛ بنابراین حق مالکیت بر موضوعی معنا می‌یابد که دارای سه خصیصه منفعت، قابلیت اندازه‌گیری و قابلیت انتقال باشد (نایب، ۱۳۸۸:۲۵۵). مالکیت رسمی علاوه‌بر این‌که ابزاری برای تصاحب است، با فراهم ساختن فرایندها و قوانین به مردم انگیزه تولید ارزش اضافی و دارایی‌های مرده خود را می‌دهد و آن‌ها را به سرمایه زنده تبدیل می‌کند (صمدی، ۱۳۸۹:۲٤۳).

داشتن حق مالکیت هزینه‌هایی را برای مالک به دنبال دارد. حفظ قدرت انحصاری پیش از مبادله، اندازه‌گیری، مبادله دارایی همه شامل هزینه‌هایی هستند. در فاصله زمانی که مالک دارایی را در اختیار دارد تا زمانی که قصد انتقال آن را دارد، برای حفظ قدرت انحصار دارایی و نه خود دارایی مجبور به صرف هزینه‌هایی چون هزینه‌های جلوگیری از تعدی دیگران است (نایب، ۱۳۸۸:۲۵٦). هر چه اشخاص راحت‌تر بتوانند بدون تحمل هزینه‌های کامل اقلام خود بر جریان درآمدی دارایی شخصی دیگران اثر بگذارند، ارزش آن دارایی‌ها کمتر است.

ساختار حقوق مالکیت رفتار اقتصادی انسان را هدایت می‌کند و سبب می‌شود که فرد در هر مجموعه حقوق مالکیت رفتار متفاوتی داشته باشد (صمدی، ۱۳۸۹:۲٤۲). وقتی یک کالایی کاملاً عمومی باشد یعنی دو ویژگی رقابت‌آمیز و انحصاری بودن را نداشته باشد هر کس آزادانه بدون پرداخت بهایی از آن استفاده خواهد کرد که باعث می‌شود برخی رفتار سواری مجانی را در پیش گرفته و سبب کمیاب شدن آن شوند (گرونیوگن و همکاران، ۱۳۹۱:۱٦۱)، همچنین در مالکیت اجتماعی انحصاری هم ممکن است فرد انگیزه لازم برای نوآوری و تلاش بیشتر را از دست دهد و چه بسا به سواری مجانی روی آورد. از نظر نونهادگرایان تنها مالکیت خصوصی و تضمین شده است که می‌تواند شرایط رشد اقتصادی پایدار را ایجاد کند. موفقیت انگلیس در فرار از

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

بحران اقتصادی قرن هفده میلادی ناشی از نظام تکامل یافته حقوق مالکیت خصوصی بود (نورث، ۱۷۹:۱۳۷۹).

از نظر نورث حقوق مالکیت از مدل‌های ذهنی هم تأثیر می‌پذیرد. مدل‌های ذهنی در چارچوب نهادگرایی جدید همان مفهوم ویژگی‌های نهادها را دارند. به عقیده او انسان برای رمزگشایی از محیط و چگونگی مواجهه با آن از طریق مدل‌های ذهنی که در نزد فرد وجود داشته و انسان به کمک آن محیط را درک می‌کند و به پردازش اطلاعات می‌پردازد (نورث، ۱۳۸۵الف:٤٥). مدل‌های ذهنی خود متأثر از ایدئولوژی و اخلاق است که این عوامل از طریق مدل ذهنی سواری مجانی بر حقوق مالکیت تأثیر می‌گذارند.

نوآوری و فنون جدید در طول تاریخ اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی بوده است. نورث معتقد است که فنون جدید نرخ بازدهی اجتماعی و اختصاصی توامان دارند و تشویق تغییرات فنی و رساندن نرخ بازدهی خصوصی اختراع به نرخ اجتماعی آن تنها با استقرار نظام حق مالکیت اختراع ممکن شد (نورث، ۱۳۷۹:۱۹۱)، برای مثال تکامل حقوق مالکیت در جهت حمایت از مالکیت خصوصی سبب تغیرات فناورانه در جهان غرب بوده است.

۲-۲- دولت و مالکیت

نوع نگاه مکاتب اقتصادی به دولت و نقش آن در اقتصاد از مهم‌ترین تفاوت میان آن‌ها با یکدیگر است. نهادگرایان نقش مثبت و سازنده‌ای را برای دولت لحاظ می‌کنند، زیرا به عقیده آن‌ها بازارهای سیاسی که در اختیار دولت است با بازارهای اقتصادی روابط متقابل دارند (کیوانی‌امینه، ۱۳۸۵:۱۰۵).

به عقیده نورث بدیهی‌ترین وظیفه یک دولت کنترل خشونتی است که مشکل پیش روی جوامع است. از جنبه تاریخی جوامعه به سه روش نامبرده شده نظم یافته و مرتب شده‌اند:۱- نظم اجتماعی نخستین و بدوی که یک نوع جامعه شکارچی و گردآوری‌کننده غذا بود. ۲- نظم دسترسی محدود که از ۱۰۰۰۰ هزار سال پیش تاکنون در بیشتر جوامع مسلط است، مشکل مهار خشونت را با دست‌کاری نظام اقتصادی حل می‌کند و رانت‌هایی با محدود کردن دسترسی ایجاد می‌کند تا ثبات و نظم اجتماعی فراهم گردد. ۳- نظم دسترسی باز که طی سیصد سال گذشته

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

پدید آمد و نظم اجتماعی را از طریق رقابت سیاسی و اقتصادی به جای خلق رانت حفظ می‌کند (نورث، ویلز[1] و وینگهاست[2]، ۲۰۰۹:۲).

در جوامع مبتنی‌بر نظم دسترسی محدود مناسبات سیاسی و اقتصادی به هم آمیخته شده و سیاست و اقتصاد عمیقاً در هم تنیده است. نورث دولت این جوامع را دولت طبیعی می‌نامد. در این نوع دولت اعضا قدرتمند جامعه با هم ائتلافی را تشکیل می‌دهند که اساس آن تقسیم رانت میان اعضاست. تداوم ائتلاف نیز بستگی به توزیع رانت دارد (طیب‌نیا و نیکونسبتی، ۱۳۹۲:۱۱۶).

در یک دولت طبیعی در شرایطی که حقوق مالکیت کارآمد به افزایش درآمد اجتماعی منتهی شود، ممکن است افزایش درآمد، مالیاتی اضافی برای دولت نداشته باشد، زیرا احتمالاً هزینه‌های نظارت، اجرا، اندازه‌گیری و جمع‌آوری بیشتری خواهد داشت (نورث، ۱۳۷۹:۱۱۹). پس این دولت می‌کوشد مانند یک انحصارگر تبعیض‌گرا عمل کند و گروه‌های مردم را به نحوی تفکیک و حقوق مالکیت هر گروه را به نحوی تعیین کند که درآمد دولت به بیشینه برسد. البته به این معنا نیست که در دولت‌های طبیعی شاهد رشد اقتصادی نیستیم. رشد اقتصادی در رژیم‌های خودکامه امکان‌پذیر و کوتاه‌مدت است، ولی برای رشد اقتصادی بلندمدت نیازمند استقرار و حاکمیت قانون داریم (نورث، ۱۳۸۵ب:۲۹۷).

۳-ساختار انواع مالکیت در دوره صفویه

در دوره صفویه سه شیوه تولید دهقانی سهم‌بری، شبان‌کارگی و خرده‌کالای شهری وجود داشت (فوران،۱۳۸۸:۵۱). طبق برآورد ویلم فلور تعداد جمعیت در ایران عصر صفوی از ۹ میلیون نفر تجاوز نمی‌کرد که اندازه جمعیت در شیوه تولید دهقانی سهم‌بری بین ٪۵۵ تا ٪۶۰ کل جمعیت در شیوه تولید شبان‌کارگی ٪۳۰ و جمعیت شهری بین ٪۱۰ تا ٪۱۵ جمعیت کل در دوره صفویه بوده است (فلور[3]، ۹-۲:۲۰۰۰). با توجه به شیوه‌های تولید در دوره صفویه و اهمیت و گستردگی

---

[1]. Wallis

[2]. Weingast

[3]. Floor

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

آن‌ها، اهمیت دهقانی سهم‌بری از دو شیوه تولید دیگر بیشتر بوده است. به عقیده سیف زمین در یک اقتصاد پیشاسرمایه‌داری اصلی‌ترین عامل تولید است (سیف، ۱۹۳:۱۳۸۰).

۳-۱- انواع زمین

به عقیده شاردن در دوره صفویه زمین‌های قابل کشت چهار گونه زمین‌های خالصه یا متعلق به شاه، زمین‌های ممالک یا متعلق به دولت، زمین‌های وقفی و زمین‌های متعلق به افراد و اشخاص بود (شاردن، ۱۲۳۲/۳:۱۳۷۵). البته به صورت نظری تمام اراضی متعلق به شاه بود که این مسأله سبب می‌شد که مالکیت زمین دستخوش تحولاتی گردد (لمتون،۱۳٦۲:۲۱۳)، ولی تصور شاه مالک تمام کشور ممکن بود زیر سؤال برود که در صورت چنین بینشی در عمل یاغی‌گری تلقی می‌شد. به دلیل این تصور پس از مرگ صاحب یک ملک، ورثه شناخت حق خود بر املاک به ارث رسیده را از شاه تقاضا می‌کردند (فلور، ۱۳۹٤:۲۳).

مزراعه شیوه مسلط تخصیص محصول مازاد در کشاورزی در ایران پیش از سرمایه‌داری بود (ولی، ۲۷٤:۱۳۸۰). در این شیوه محصول بین مالک و دهقان براساس پنج‌گانه زمین، آب، شخم، کار و گاو تقسیم می‌شود و هر چند در منابع معاصر صفویه اشاره‌ای به این عوامل پنج‌گانه نشده، ولی این روش به سبب سهولت و سادگی بدون شک از روزگاران باستان در ایران پیوسته در تقسیم محصول، شیوه غالب و مؤثر بوده است (مینورسکی، ۱۳۳٤:۳٤). بار مالیاتی که به هر روستا تعلق می‌گرفت بنیچه نام داشت. گاه مالیات‌های دیگری نیز باید روستاییان می‌پرداختند.

۳-۲- زمین‌های ممالک و خاصه

زمین‌های ممالک که به آن‌ها زمین‌های دیوانی هم گفته می‌شد اراضی بودند که حکومت آن‌ها را برای پرداخت مواجب و دستمزد کارگزاران و سپاهیان خود به افراد تحت عناوین مختلف مانند اقطاع، سیورغال و اولکه واگذار می‌کرد. در کنار زمین‌های ممالک که متعلق به حکومت بود، زمین‌های خاصه شامل املاک شخصی شاهان بود که درآمد آن‌ها برای تأمین مصارف دربار و مخارج شاه تخصیص می‌یافت (فلور، ۱۳۹٤:۱۵۸).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

در اوایل دوره صفویه مقدار زمین‌های خاصه نسبت به ممالک بسیار کمتر بود و شاه اسماعیل اول بسیاری از اراضی کشور را به عنوان تیول به فرماندهان قزلباش خود داد. این حاکمان از درآمد مناطق تحت حکومت خود برای نگهداری و دادن مواجب به نیروی نظامی تحت امر خود استفاده می کردند. در زمان شاه طهماسب زمین‌های خاصه کمی گسترش یافتند. شاه عباس اول که به دنبال تمرکزگرایی و کاهش قدرت قزلباشان بود، تلاش کرد تا زمین‌های ممالک بیشتری را به خاصه تبدیل کند. به عقیده شاردن سیاست تبدیل اراضی ممالک به خاصه بعدها توسط شاه صفی و شاه عباس دوم جدی‌تر دنبال شد (شاردن،۱۳۷۵ :۱۱٦٥/۳).

۳-۳- وقف

دسته دیگری از اراضی در دوره صفویه، زمین‌های وقفی بودند. واقف درآمد این اراضی را به مقاصد دینی و خیریه اختصاص می‌داد. واقفان دارایی‌های دیگری به غیر از زمین مانند کاروان‌سرا، حمام، کتابخانه، قهوه‌خانه و آب را نیز وقف می‌کردند. گسترش و توجه به اراضی وقفی از زمان شاه عباس اول به بعد (لمتون، ۱۳٦۲:۲۲۳) سبب شد که املاک وقفی در اواخر حکومت صفوی از نظر وسعت بعد از املاک تیولی قرار گیرند (فوران، ۱۳۸۸:٥۷).

۳-٤- زمین‌های بایر و موات

در دوره صفویه زمین‌های بایر و موات بسیاری به دلایل مختلفی مانند کمبود آب، کمی جمعیت و جنگ‌های خانمان‌سوز وجود داشت. شاردن معتقد است که اراضی بایر بسته به این‌که در ایالات ممالک یا خاصه باشند می‌توانند متعلق به شاه یا دولت باشند. اجازه گرفتن برای آباد کردن زمین آسان و رایگان بود (شاردن، ۱۳۷۵:۱۲۳۳/۳)، اگر در ایالات خاصه قرار داشتند باید از شاه یا وزیر ایالتی و اگر در ایالات ممالک قرار داشتند از حاکم یا نماینده او درخواست می‌کردند.

۳-٥- زمین‌های شخصی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

لمتون معتقد است که مالکیت املاک شخصی در دوره صفویه به رسمیت شناخته می‌شد، زیرا هر کس می‌توانست املاک خود را وقف کند (لمتون، ۱۳٦۲:۲۱٤).، با این وجود زمین‌های شخصی نسبت به دیگر زمین‌های دوره صفویه از تنوع و گستردگی کمتری برخوردار بودند. درباریان، صاحب‌منصبان، روحانیون، سادات، بزرگان و افراد نظامی جزو افرادی بودند که صاحب اراضی ملکی بودند.

۳-٦- مالکیت در زندگی عشایری

یکی از شیوه‌های تولید در دوره صفویه دامداری یا شبان‌کارگی بود. جمعیت عشایر دوره صفویه در حدود یک سوم کل جمعیت بوده است که این میزان در دوره‌های نابسامانی بیشتر می‌شد، همچنین در بسیاری از روستاها و حتی شهرهای کوچک هم مردم به دام‌پروری می‌پرداختند.

در اقتصاد متکی بر دامداری، مرتع یا چراگاه و دام از وسایل تولید یا سرمایه هستند. این چراگاه‌ها در واقع متعلق به شاه بود و از طرف شاه به رؤسای ایلات و طوایف مختلف واگذار می‌شد. حاکم هر ایل یا قبیله هم حق استفاده از بخشی از مراتع را به تیره‌ای از ایل واگذار می‌کرد. مالکیت مرتع جمعی بوده است و یک مرتع یا چراگاه به یک طایفه و قبیله تعلق می‌گرفت (دالمانی،۱۰٤٥/۲:۱۳۳٥) و با نام طایفه یا رئیس طایفه شناخته می‌شد. فوران معتقد است که رمه‌ها جز اموال خصوصی خانواده‌های گسترده بود (فوران، ۱۳۸۸:۵۳). هر چند به نظر می‌رسد که با وجود مراتع بسیار افراد می‌توانستند صاحب دام‌های زیادی باشند تا از طریق آن امرار معاش کرده و دست به انباشت سرمایه بزنند، ولی شواهد نشان می‌دهد که به دلایل مختلف در عمل چنین نبوده و وضعیت زندگی به زحمت در حد معیشت بوده است. معمولاً عشایر به صورت طایفه‌ای زندگی می‌کردند (شاردن، ٤۸/۳:۱۳۷٥-۱۲٤۷؛ تطیلی و همکاران، ۳٤۹:۱۳۹۳) و چون مرتع برای دامداران بسیار مهم و مالکیت آن اشتراکی بود، به نظر نمی‌رسد که عشایر به راحتی می‌توانستند بر تعداد دام‌های خود بیافزایند، چرا که با اشغال مرتع با دام‌های بیشتر دیگران ضرر می‌کردند.

۳-۷- شیوه تولید خرده کالایی شهری

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

اصناف، کارگاه‌های سلطنتی و تجارت از محورهای مهم اقتصاد شهری در عصر صفویه بود. اصناف تولید را در شهرها سازمان می‌دادند و تولید آن‌ها بسته به گستردگی، جمعیت و اهالی شهر متفاوت بود. اصناف در شهرهای بزرگی که از لحاظ تجاری در مناطق سوق‌الجیشی قرار داشتند مانند اصفهان، کاشان و تبریز به تولید فرآورده و کالاهای ساده و لوکس برای مصارف عمومی و بازار سرگرم بودند (فلور، ۱۳۹٤:٤۱). آن‌ها باید مالیات‌های مختلفی مانند بنیچه، مدد معاش، مال محترفه، جریمه و رسوم به دولت پرداخت می‌کردند. برخی اصناف هم مجبور بودند برای دولت کار مجانی فراهم کنند (تاورنیه، ۱۳۸۳:۲٦٦؛ شاردن، ۸٥۹/۲:۱۳۷٥).

فعالیت‌های تولیدی در کارگاه‌های سلطنتی از دیگر بخش‌های اصلی اقتصاد شهری بود. شاردن تعداد آن‌ها را ۳۲ عدد بیان می‌کند که نزدیک به ٥۰۰۰ کارگر در آن‌ها مشغول به کار بودند (شاردن،۱٤۲۰/٤:۱۳۷٥). پادشاه استادکارهای آن‌ها را از نقاط گوناگون کشور به اصفهان می‌آورد. دلاواله معتقد است که شاه صفوی در تمام کشور کارگاه‌های پارچه بافی دارد که بزرگان و امرا نیز مجاز بودند مالکیت این کارگاه‌ها را داشته باشند (دلاواله، ۱۳۷۰:۱٥٥).

٤-ارزیابی حقوق مالکیت در دوره صفویه

دلاواله در رابطه با حق مالکیت در دوره صفویه معتقد است که «تمام زمین‌ها در ایران به شاه تعلق دارد و تاجر و صنعت‌گر و زارع مستقل به طور کلی یا وجود ندارد و یا اگر هست با وضع بدی زندگی می‌کنند و چون دریافت حقوق از شاه مطمئن‌ترین روش برای زندگی است، بیشتر قزلباش‌ها نیروی نظامی شدند» (دلاواله، ۱۳۷۰:۳٤۸). به نظر برنیر عدم درک از مالکیت خصوصی نتایج مطلوبی برای رشد اقتصادی ندارد. «سه کشور ایران، ترکیه و هندوستان در پیوند با زمین و دیگر مستغلات هیچ درکی از اصل مال من مال تو ندارند» (برنیر[۱]، ۱۸۹۱:۲۳۲).

در دوره‌ای که حق مالکیت بر دارایی‌های مادی به عنوان یک نهاد کارآمد در چارچوب نهادی موجود قدرت مانور زیادی نداشت، مالکیت فکری و معنوی ناشناخته بود. بنا به گفته شاردن کارگران مخترع در کارگاه‌های سلطنتی پاداشی معادل حقوق سالیانه خود را دریافت می‌کردند

۱. Bernnier

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

(شاردن، ۱۳۷۵:۱٤۲۲/٤) و حق انحصاری برای آنان در قبال نوآوری جدید در نظر گرفته نمی‌شد. افراد صاحب ذوق و دانش در دوره صفویه «چون خود را محکوم به گمنامی... می‌بینند به هند می‌روند و خدمات خود را به مغول کبیر... عرضه می‌کنند» (تاورنیه، ۱۳۸۳:۳۵۸). تکامل حقوق مالکیتی که در اروپا سبب پیشرفت در امور مختلف و نوآوری شد، برای ایرانیان ناشناخته ماند. در غیاب انگیزه‌های نشات گرفته از حقوق مالکیت برای توسعه فناوری، اندازه بازار از مهم‌ترین عوامل برای رشد نوآوری است، اما در دوره صفویه گستردگی قلمرو و به تبع آن فاصله زیاد بین شهرها و روستاها، عدم امنیت و راه‌های ارتباطی، زندگی ایلی و عدم تقسیم کار سبب شد که بازار نیز نتواند تأثیرگذار باشد (رضاقلی، ۱۳۸۵:۱۱۵)

وقف یکی از انواع مالکیت‌ها تکامل پیدا کرده در دوره صفویه بود. هر چند که در ابتدا موقوفه‌ها جهت مصارف عمومی، خیریه و دینی مورد توجه قرار می‌گرفتند، ولی گونه‌ای از وقف به نام وقف بر اولاد که هدف آن ایجاد منبع درآمدی برای بازماندگان مالکان و تاجران ثروتمند بود (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۹:٦۰) که می‌تواند تأییدی بر عدم امنیت مالکیت خصوصی باشد. وقف بر اولاد پس از مرگ شاه عباس اول تا پایان حکومت صفوی روبه گسترش بود (صفت گل، ۱۳۸۱:۳۲۵). حتی شاه سلطان حسین صفوی هم در ۱۱۲٤ق. موقوفاتی در فارس بر اولاد خود وقف کرد (سپنتا، ۱۳٤٦:۲۵۹). وقف در دین اسلام مقدس شمرده شده و دست‌اندازی به اموال موقوفه حرام است. به همین دلیل شاردن معتقد بود که هیچ کس نمی‌تواند زمین‌های وقفی را مصادره کند، حتی اگر واقف مرتکب جنایتی شده باشد (شاردن، ۱۳۷۵:۱۲۳۳/۳). با وجود چنین نهاد مشروعی، بی‌توجهی به حقوق مالکیت هم گریبان‌گیر اوقاف می‌شده و برخی از حکام و مأموران دولتی به اوقاف دست‌اندازی می‌کردند. زمین وقف گاهی فروخته و غصب می‌شد و یا به دست دیگران می‌افتاد (فلور، ۱۳۹٤:٤۱؛ وحید قزوینی، ۱۳۲۹:۲۱٦). افزایش هزینه‌های بالای حقوق مالکیت در دوره صفوی از علل اصلی تکامل وقف بود، چرا که در مقایسه با انواع دیگر مالکیت از امنیت بیشتری برخوردار بوده و معمولاً هزینه مالیاتی نداشته و هزینه جلوگیری از تعدی دیگران به دلیل نهادهای برآمده از شریعت بسیار پایین بود.

۵- هزینه‌های حقوق مالکیت در عصر صفوی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

شواهد نشان می‌دهد که در دوره صفوی هزینه‌های حقوق مالکیت گاه چنان بوده است که باعث از دست رفتن حق مالکیت می‌شد یا شرایطی را به وجود می‌آورد که افزایش این هزینه‌ها از درآمد حق مالکیت بیشتر می‌شد. مالیات یکی از این هزینه‌ها بود که از طرف دولت اعمال می‌شد. مالکان زمین باید مالیات زمین یا مالوجهات (فلور، ۱۳۹٤:۱۸٦) می‌دادند که در بیشتر اوقات فشار زیادی به مالکان وارد می‌کرد. مشیزی در تذکره صفویه کرمان گزارشی ارائه می‌دهد که در آن عموزادگان او در کرمان، از آن‌جایی که از عهده مالیات مالوجهات زمین بر نیامدند، مجبور شدند زمین خود را به کلانتر کرمان بفروشند (مشیزی، ۱۳٦۹:۵۰۱). گاه افزایش مالیات سبب می‌شد که دهقانان روستای خود را ترک کرده و راهزن شوند (کارری، ۱۳٤۸:٤۱). داشتن دام برای دامدار هر چند که منبع درآمد مهمی بود، ولی هزینه‌هایی نیز درپی داشت. دامدار باید می‌توانست که مالیات‌های مختلف مانند نَسق روغن، چوپان بیگی و مالیات مرتع را بدهد (مشیزی، ۱۳٦۹:۲۱٤ ؛ اولئاریوس، ۱۳۸۵:۱۲۸).

مالیات‌های مختلف در دوره صفویه فشار زیادی به اصناف وارد می‌کرد. زیاده‌خواهی در گرفتن مالیات از اصناف تبریز در سال ۹۸۱ق. سبب شورش آن‌ها شد (نیومن، ۱۳۹۲:۷۱). در سال ۱۷۱٦م. (۱۱۲۸ق.) شیرینی‌فروشی‌های اصفهان به دلیل اجبار در تأمین کردن شربت‌خانه‌های سلطنتی بست نشستند (فلور، ۲۰۰۰:۵۳). قیمت‌گذاری اجناس (شاردن، ۱۳۷۵:٤/۱۳۵۰) هم به نوبه خود اصناف را در تنگنایی دیگر قرار می‌داد و باعث می‌شد هزینه حقوق مالکیت آن‌ها بیشتر شود. افزون بر این گاه ممکن بود فشارها و محدودیت‌ها انحصاری به کار بسته شود که برخی از اصناف و حرف را تحت تأثیر قرار می‌داد.

هزینه‌های جلوگیری از تعدی و تجاوز به دارایی در دوره صفویه بسیار بالا بوده است. افراد عادی نمی‌توانستند از پس این هزینه‌ها برآیند، تنها افرادی که توان چانه‌زنی بالا داشتند، می‌توانستند از دارایی خود محافظت کنند. حتی فردی مانند مشیزی که خود از مأموران محلی دولت در کرمان بود، توان جلوگیری از تعرض کلانتر به زمینش را نداشت و هر چند برای دادخواهی به اصفهان رفت، سرانجام با دادن هزینه‌های گزاف و دست‌نیافتن به مقصود به کرمان بازگردد (مشیزی، ۱۳٦۹:۵۳۳). سانسون هم از عدم رسیدگی به شکایات مردم و عدم اطلاع شاه از رفتار حکام سخن می‌گوید که نشان می‌دهد در صورت تعرض حاکم به حق مالکیت به ندرت می‌توان مالکیت را دوباره به دست آورد (سانسون، ۱۳٤٦:۱۸۱). شاردن بیان می‌کند هرگاه کسی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

زمینی را از راه تصرف غیرقانونی و با حیله و زور به دست می‌آورد، پس از یک سال به عنوان مالک قانونی آن شناخته می‌شد و هرگونه ادعایی نسبت به آن منتفی می‌شد (لمتون، ۱۳٦۲:۲۲٤).

مصادره یکی از نهادهایی بود که سبب ناکارآمدی حقوق مالکیت در دوره صفویه شد. نفس وجودی مصادره بر وجود مالکیت خصوصی استوار است، ولی پیداست که وقتی مصادره وجود دارد اندازه مالکیت رشد پیدا نمی‌کند و خطرپذیری برای بر عهده گرفتن پروژه‌های بزرگ‌تر و جدیدتر کمتر می‌شود (سیف،۱۷۲:۱۳۸۰). گزارش‌های زیادی درباره مصادره اموال بزرگان و ثروتمندان و حتی جان آن‌ها در منابع اولیه آمده است که نشان از ناامنی شدید در مالکیت خصوصی بوده است. شاردن شمار کاروان‌سراها و بازارچه‌های مصادره شده در اصفهان از طرف شاه را در آخرین حضور خود در اصفهان بیش از ۲٤۷ باب می‌داند (شاردن، ۱٤٦٦/٤:۱۳۷۵). وحید قزوینی در عباسنامه از مصادره اموال بسیاری از بزرگان و حکام و برکنار کردن آن‌ها از قدرت سخن می‌گوید (وحید قزوینی، ۳۲۹:۱۳۲۹-۳۲۱-۳۱۰- ۱۸۳). مصادره اموال ریسک‌پذیری را کمتر کرده و فضایی ایجاد می‌کند که در آن عدم اطمینان مانع جدی بر سر راه تکامل مالکیت خصوصی و سرمایه‌گذاری است. این مصادره‌ها نه تنها هنگام برکناری افراد صاحب منصب پیش می‌آمد، بلکه «بلایی بود که ممکن بود در هر زمان نازل شود». کاتوزیان نمونه‌های زیادی از مصادره اموال شخص زنده و یا حتی مرده را در دوره‌های مختلف تاریخی ایران بیان کرده و معتقد است که از نظر مردم مصادره از جانب شاه اقدامی ناقض حقوق این افراد محسوب نمی‌شد[1] (همایون کاتوزیان، ۲۸-۲٦:۱۳۹۳). به نظر می‌رسد مصادره نوعی نهادِ غیررسمی بود که هر چند باعث ناکارآمدی حقوق مالکیت می‌شد، ولی به دلیل وابستگی به مسیر طی شده به عنوان عملی قابل قبول در ذهن افراد تلقی می‌شد.

٦-مدل‌های ذهنی راهزنی و غارت

[1]. کاتوزیان مصادره‌ها را منطق نظام حکومتی می‌داند، زیرا به گفته او مخبرالسلطنه عقیده داشت چون بخش عمده ثروت مقامات از راه غارت اموال دیگران به دست می‌آمد، از این‌رو مصادره اموالشان نقض‌کننده حقوق آن‌ها نبود (همایون کاتوزیان،۲۸:۱۳۹۳).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

محدودیت‌های طبیعی و اجتماعی زندگی عشایری سبب شد که برخی از ایلیاتی‌ها راهزن شده و دست به غارت یکجانشینان بزنند. در دوره صفویه هم ایلات هرگاه مجال یافته بودند دست به غارت و راهزنی می‌زدند (ترکمان،۱۳۷۷/۲:۱۲۸۴،۱۲۸۳،۷۹۵؛ منجم، ۱۳۶٦:۳۵۸؛ متی، ۱۳۹۳:۱۵۷؛ مشیزی، ۱۳٦۹:۵۱۳). راهزنی آن‌ها باعث می‌شد که حکومت هم روش تندی را در مقابل در پیش بگیرد (باستانی پاریزی، ۱۳٦۲:٤۲؛ اسکندربیگ، ۱۳۷۷/۲:۷٤۳). راهزنی هزینه اجرای حقوق مالکیت را بالا می‌برد و دولت که مسئول ایجاد امنیت بود برای مقابله با ناامنی و راهزنی مجبور به لشکرکشی به اقصی نقاط کشور بود که هزینه‌هایی برای دولت به دنبال داشت. پادشاهان ضعیف به دلیل وجود چنین هزینه‌هایی توان برخورد با ناامنی را نداشتند و پادشاهان قدرتمندی چون شاه عباس اول راهزنان را به شدت مجازات می‌کردند.

راهزنی و غارت به عنوان یک نهاد غیررسمی در ذهن جمعی ایلات شکل گرفته بود و به آن افتخار می‌کردند. راهزنان از به کار بردن واژه دزد در مورد خودشان به شدت اکراه داشتند (ملکم، ۱۳۸۰/۲:۸۵۱). غارت در ذهن ایلیاتی‌ها مترادف با شجاعت بود و شرایط سخت زندگی آن‌ها را وادار می‌کرد که به غارت به شکل دزدی نگاه نکنند، و هر چند نهاد غیررسمی غارت باعث ناکارآمدی حقوق مالکیت می‌شد، ولی برای زنده ماندن آن‌ها در دل طبیعت نهاد کارآمدی بود. غارت و راهزنی در زمان یک پادشاه ضعیف یا در زمان خشک‌سالی‌ها فراگیرتر شده و سبب می‌شد که سواری مجانی افزایش یافته و هزینه مالکیت بیشتر شود. بالاتر رفتن هزینه مالکیت انگیزه افراد را برای تلاش بیشتر درجهت تولید یا نگهداری یک دارایی کاهش می‌داد. به نظر می‌رسد در این شرایط تنها افرادی می‌توانستند مالک باشند که خود ابزار خشونتی در دست داشته تا بتوانند از دارائی‌های خود محافظت کرده و یا توان چانه‌زنی بالا در حکومت را داشتند.

رضاقلی با توجه به این نظر نورث که توزیع بالقوه خشونت همراه فناوری و محدودیت‌های جغرافیایی بر حقوق مالکیت تأثیر می‌گذارد، عقیده دارد در طول ده قرن گذشته در تاریخ ایران، توزیع خشونت با ایلات بود و چون محدودیت‌های جغرافیایی نیز زندگی ایلی را ترغیب می‌کرد و فناوری نظامی تا پیش از ورود اسلحه گرم تغییر چندانی نکرد، از این‌رو ساختار تفوق ایلی برقرار بوده، مالکیت مشاع و راهزنی و غارت ایلیاتی‌ها که بر ساختار حقوق مالکیت تأثیر می‌گذاشت، اقتصاد را به صورت معیشتی و بخور و نمیر نگه می‌داشت و انگیزه لازم برای کار و تلاش بیشتر یا نوآوری و ابداع را از بین می‌برد (رضاقلی، ۱۳۸۵:۱٦۰).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

۷-مدل ذهنی دم غنیمت شمردن

یکی دیگر از مدل‌های ذهنی که بر حقوق مالکیت تأثیر داشته است دم غنیمت شمردن بود (نایب، ۱۳۸۸:۲٦۹) به نظر می‌رسد این مدل ذهنی خود متأثر از نبود امنیت جان و مال بوده است. شاردن عقیده دارد که ایرانیان «دم را غنیمت می‌شمرند، دل خود را به هر نوع که باشد خوش می‌دارند... غم فردا را نمی‌خورند» (شاردن، ۱۳۷۵:۷٦۱/۲). این مدل ذهنی سبب شد که ایرانیان در خرج کردن تمام دارایی‌های خود هیچ ابایی نداشته و در اندیشه فردای خود نباشند، زیرا طرز اندوختن مال و فوایدش را نمی‌دانند (شاردن، ۱۳۷۵:۷٦۲/۲).

عدم وجود نهادهای قدرتمند در دفاع از مالکیت شخصی و حمایت نکردن دولت از مالکیت خصوصی سبب شد افرادی که به نوعی صاحب ثروت شدند به دنبال سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت برای درآمد بیشتر نباشند. شاردن می‌نویسد «در مشرق زمین عموماً بر این باورند که مال پیوسته در معرض زوال و فناست، به هیچ‌کس وفا نمی‌کند، و آسان دست به دست می‌گردد. می‌کوشند از دارایی خود بسزا بهره گیرند و به شادمانی روزگار گذرانند» (شاردن، ۱۳۷۵:۱٤۰۱/٤) همین نگرش سبب شد که یکی از ثروتمندان عصر صفوی که از نوداگان گنجعلی‌خان کُرد در کرمان بود درآمد خود از محصول املاک و تیول را صرف محفل نشاط و بزم انبساط نماید (مشیزی، ۱۳٦۹:۲٦۹).

این مدل ذهنی نشان‌دهنده اطمینان نداشتن در دوره صفویه بود و اطمینان نداشتن هم نقطه مقابل تصمیم‌گیری در آینده است. برای نمونه این نداشتن اطمینان سبب شده بود که در دوره صفویه اجاره خانه، بازارچه و مغازه برای مستأجر عادی و یک‌روزه باشد که باعث شگفتی شاردن درباره این نوع اجاره شد (شاردن، ۱۳۷۵:۷۷۷/۲).

۸-دولت صفویه و حقوق مالکیت

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

با توجه با ساختار حقوق مالکیت در دوره صفویه نقش دولت در وجود چنین ساختاری غیرقابل انکار است. در دوره صفویه بازارهای سیاسی و اقتصادی کاملاً درهم تنیده بودند. دولت صفویه یک دولت طبیعی مبتنی‌بر نظم دسترسی محدود بود که در آن حقوق مالکیتِ منابع درآمد و تولید در اختیار شاه و اطرافیان یا بوروکراسی او قرار داشت. این دولت با سیاست‌های خود می‌توانست هزینه حقوق مالکیت را افزایش داده و یا کاهش دهد. ایجاد امنیت، تلاش برای مقابله با راهزنی و غارت و نبود فشار برای انواع مالیات‌های مختلف می‌توانست سبب کاهش هزینه‌های حقوق مالکیت و مبادله شود.

زمین‌های کشاورزی از مهم‌ترین منابع تولید و درآمد در دوره صفوی بودند. انواع مالکیت زمین در قسمت‌های پیشین مورد اشاه قرار گرفت که از میان آن‌ها بیشترین سهم از آن اراضی ممالک و خاصه بود. اراضی ممالک به صورت تیول و اقطاع به صاحب‌منصبان سیاسی و نظامی داده می‌شد و اراضی خاصه توسط وزیران شاهی اداره می‌شدند. پس این اراضی مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت دولت یا فرمان‌روا بود (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۳:۲٤). باید دقت کرد که این نوع واگذاری زمین برای پرداخت حقوق و مواجب افراد بود و «نوعی واگذاری زمین به مقام و منصب بود نه فرد» (نویدی، ۱۳۸٦:۱۳۱). پس این نوع مالکیت یک امتیاز ملغی شدنی بود (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۹:٦۲). در مجموع می‌توان گفت اشکال بسیار مختلفی از مناسبات زمین‌داری در دوره صفویه به وجود آمد که همه آن‌ها یک ویژگی مشترک داشتند: زمین به شاه تعلق داشت (نویدی، ۱۳۸٦:۱٥۸). پادشاه هم بسته به شرایط موجود، قدرت دولت و وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور آن را به اشکال گوناگون در اختیار فرادستان قرار می داد تاخشونت بالقوه را کنترل کند.

امنیت جاده‌ها یکی از دلایل رونق اقتصادی در زمان شاه عباس اول و حتی جانشینان او بود. تا زمان شاه عباس دوم در هر ایالتی که دزدی می‌شد حاکم مجبور بود که قیمت کالاهای دزدیده شده را به صاحب کالا بدهد (تاورنیه، ۱۳۸۳:۲۷۹؛ شاردن، ۱۳٤۷/٤:۱۳۷٥). در اواخر دوره صفویه نبود امنیت و راهزنی سبب بالا رفتن هزینه‌های حق مالکیت در زمینه تجارت شده و راه‌داران که خود باید امنیت جاده‌ها را برقرار می‌کردند به اموال مردم تعرض کرده و یا مبلغ گزافی به عنوان راه‌داری می‌گرفتند (مشیزی، ۱۳٦۹:۳۳۷؛ لاکهارت، ۱۳۹۳:٤۱). نبود امنیت هزینه مبادله را برای خریدار و فروشنده افزایش می‌داد، و این افزایش سبب بالا رفتن هزینه‌های حقوق مالکیت شد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

بالا رفتن هزینه مبادله یکی از عواملی بود که باعث کاهش تجارت خارجی ایران در اواخر دوره صفویه شود.

سیاست‌های انحصاری دولت صفویه گاه سبب ناکارآمدی حقوق مالکیت می‌شده است، زیرا زیاده‌خواهی دولت و عدم حمایت از مالکیت افراد مانع ورود بخش خصوصی برای کارهای تولیدی بود. یک فرمان از شاه طهماسب صفوی نشان می‌دهد که کارگزاران او در نیریز فارس انحصار صابون‌سازی را در اختیار داشته، پیه و مواد اولیه را با بهای کم خریده و صابون را به بهای گزافی به مردم می‌فروختند (باستانی‌پاریزی، ۱۳۵۷:۳۰). این گزارش به خوبی نشان می‌دهد که دولت هر کجا و در هر زمان تولید کالایی را به سود خود می‌یافت با لغو مالکیت دیگران و انحصار آن به یک منبع درآمد دیگر دست می‌یافت. نمونه دیگر از این مسأله انحصار معادن و منابع طبیعی بود که به نظر می‌رسد نزدیک به ٪۹۰ از درآمد حاصل از منابع و معادن طبیعی توسط سرکار خاصه مورد رسیدگی و کنترل قرار می‌گرفت (نویدی، ۱۸۲: ۱۳۸٦).

برای شاه اسماعیل اول «تجارت ابریشم بااهمیت‌ترین و پراستفاده‌ترین تجارت‌ها بود (تطیلی و همکاران، ۱۳۹۳:۳۷۷). کارگاه‌های سلطنتی از دوران شاه اسماعیل اول وجود داشته و کالاهای مورد نیاز دربار و دیگر کالاهای تجملی را برای صادرات تولید می‌کردند. تمرکزگرایی شاه عباس اول و دیگر اقدامات او از قبیل نیروی نظامی جدید سبب شد به منابع مالی بیشتری نیاز پیدا کند. شاه عباس اول تجارت ابریشم را به انحصار خود درآورد و اقوامی را که به مازندران برای زراعت برد، وادار کرد تا برگ درختان توت را فقط به عاملان او بفروشند (دلاواله، ۱۳۷۰:۱۷). از ارمنی‌ها به عنوان کارگزاران خود در زمینه تجارت ابریشم و سایر کالاها استفاده کرد. این بازرگانان سلطنتی که تاجر شاه یا تاجر خاصه شریفه نامیده می‌شدند یک امتیازنامه دریافت می‌کردند (فلور، ۲۰۰۰:۵۵). پادشاهان صفوی در خرید اجناس پرفروش صادراتی نیز نقش داشتند؛ شاه طهماسب اول انواع منسوجات نخی و ابریشمی را می‌خرید و از طریق عاملان خود آن‌ها را تا ده برابر قیمت به سربازانش می‌فروخت (همان، ۵۲). به عقیده شاردن شاه ایران پارچه‌های زربفت و سیمین تار و دیگر منسوجات گران‌بها و قالی و جواهر به خارج صادر می‌کند (شاردن، ۱۳۷۵:۸۹۹/۲). به این ترتیب دولت صفوی اداره تجارت را با به کارگیری سیاست‌هایی مانند به کارگیری کارگزاران تجارت حکومتی، واگذاری امتیازات به افراد و تشویق دادوستد با تاجران خارجی، سلطه بی‌چون و چرای مالی و سیاسی خود را پیگیری می‌کرد. در راستای همین سیاست

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

تجاری بود که کاروان‌سراهای زیادی ساخته شد و امنیت جاده‌ها برقرار شد (متی،۱۳۹۳:٤۳). به این ترتیب پادشاهان صفویه از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران زمان خود به شمار می‌آمدند (مینورسکی، ۱۳۳٤:۲۰).

یک مقایسه از نقش دولت در حمایت از حقوق مالکیت کارآمد و صنایع داخلی بین ایران عصر صفوی و انگلیس در قرن هفدهم میلادی می‌تواند این مسأله را به خوبی توضیح دهد. در سال ۱٦۱۱م. (۱۰۱۹ق.) جیمز اول هر گونه کالای وارداتی را که برای فعالیت‌های اقتصادی مردم انگلیس مفید بود (مانند پنبه، ابریشم خام) از مالیات معاف کرده، عوارض صدور صنایع داخلی مانند پارچه را کاهش داد. در سال ۱٦۱٤م. صدور پشم از انگلیس ممنوع شد. این ممنوعیت نوعی امتیاز بخشی به صنعت نساجی بود (داب، ۱۳۷۹:۱۲۲).

در همان زمان در دوران صفویه رویه‌ای متفاوت در پیش گرفته می‌شود. «در آسیا هیچ شاهی وجود ندارد که بهتر از شاه ایران خارجیان را به حضور بپذیرد و بیشتر از شاه ایران خارجی‌ها را دوست داشته باشد و به آن‌ها امتیازات بزرگ ببخشد» (سانسون، ۲٦: ۱۳٤٦). پرداخت نکردن عوارض گمرکی توسط کشورهای اروپایی که کالاهای خود را به ایران صادر می‌کردند، عرصه را بر تولیدکنندگان داخلی بسیار تنگ می‌کرد (نویدی، ۱۸۸:۱۳۸٦). کالای خامی مانند ابریشم و پشم به راحتی به ضرر صنایع داخلی از کشور خارج شد. در واقع برای دولت صفوی صدور پشم و خرید پارچه از کمپانی‌های خارجی برای دولت عوارض گمرکی به دنبال داشت که آن را به راحتی می‌توانست در بنادر معدود و مسیرهای کاروانی نسبت به مالیات بر اصناف مختلف در داخل کشور به دست آورد. پس از آن‌جایی که هزینه‌های گرفتن مالیات اصناف از هزینه گرفتن عوارض گمرکی بیشتر بود، دولت تجارت راه دور را بیشتر ترجیح می‌داد. این سیاست‌ها به ضرر صنایع دستی داخلی بوده و هر چند دولت از آن منتفع می‌شد، ولی باعث افزایش هزینه‌های حقوق مالکیت می‌شد که نتیجه آن در درازمدت کاهش تولیدات داخلی مانند پارچه به سود پارچه‌های هندی و انگلیسی بود.

به عقیده رضاقلی در طول تاریخ، دولت‌های ایران هیچ شباهتی با دولت‌های قراردادی یا مبتنی‌بر دسترسی باز نداشتند که الگوی اقتصاد بازار و مبادله هستند، بلکه نشان دولت استثمارگر و بیشینه‌کننده ثروت گروه حاکم را داشتند (رضاقلی، ۱۳۸٦:۱۳٦). از آن‌جایی که تصمیم‌گیری درباره نوع مالکیت در دوره صفویه به عهده دولت بوده است، دوره‌ای مانند زمان شاه عباس اول

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

که منافع خود را در گرو مجموعه قوانینی می‌دید که منجر به رشد می‌شد با حمایت از بعضی نهادهای کارآمد دوران رشد و شکوفایی در کشور ایجاد می‌شد. در دوره شاه عباس اول نهادهایی که ایجاد شدند در راستای منافع شخصی پادشاه بوده و چون پیوندی در آن برهه از زمان با مصالح ملی داشتند، رونق و شکوفایی هم ایجاد شد.

۹- نتیجه

داگلاس نورث معتقد است که حقوق مالکیت کارآمد به عنوان یک نهاد قدرتمند برای رشد اقتصادی هر جامعه شرطی لازم است و اگرچه در طول تاریخ بعضی از دولت‌ها با حقوق مالکیت ناکارآمدی که تعریف و اجرا کردند، توانستند به رشد برسند، اما این رشد اقتصادی پایدار نبود.

دولت به عنوان بزرگ‌ترین سازمان در جامعه مهم‌ترین ابزار کنترل خشونت یعنی حقوق مالکیت را در اختیار داشت که می‌توانست حقوق مالکیت کارآمدی را برای افزایش درآمد تعریف کند، اما ساختار حقوق مالکیتی که رانت‌های طبقه حاکم در دوره صفویه را به بیشینه می‌رساند، با ساختاری که رشد اقتصادی ایجاد می‌کرد در تعارض قرار داشت. از این‌رو دولت صفویه که مبتنی‌بر نظم دسترسی محدود قرار داشت به دنبال آن بود تا مالکیت منابع تولیدی را در اختیار حلقه فرادستان و خصوصاً شاه قرار داده تا خشونت بالقوه در بین گروه‌های قومی مختلف و خصوصاً قزلباش‌ها را کنترل کند. دولت نه تنها مالک بیشتر زمین‌های کشاورزی و مراتع ایلی بود، بلکه در شیوه تولید خرده کالایی هم سعی می کرد با ورود خود، منبع درآمدی برای هزینه‌های گزاف خود داشته باشد. تبدیل اراضی ممالک به خاصه از زمان شاه عباس اول به بعد با جدیت بیشتری دنبال شد تا این زمین‌ها مستقیماً زیر نظر شاه اداره شود. سیاست‌هایی که دولت صفویه در زمینه تجارت خارجی دنبال می‌کرد هر چند که باعث افزایش درآمدش می‌شد، ولی هزینه‌های حقوق مالکیت در داخل کشور را افزایش می‌داد؛ در زمینه تولید اقلام و کالاها گاه انحصاری اعمال می‌کرد که بعضی از اصناف را از رقابت خارج می‌کرد. مالیات‌های زیادی که تحت عناوین مختلف بر مردم تحمیل می‌کرد، خارج از توان مالی افراد بود که سبب می‌شد مالکیت منابع تولید و درآمد برای افراد عادی مقرون به صرفه نباشد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

هزینه‌های حقوق مالکیت در دوره صفویه از موانع جدی در تکامل و توسعه حقوق مالکیت بوده است. هزینه‌های مالکیت در دوره صفویه گاه بیشتر از منافع دارایی بوده است. از عوامل بالا بودن این هزینه‌ها، نبود نهادهای قدرتمند و کارآمد مانند امنیت برای دفاع از مالکیت و وجود عواملی مانند سازه‌های ذهنی (غارت، راهزنی و دم غنیمت شمردن)، شرایط اقلیمی، مصادره، تحمیل مالیات‌های گوناگون و تعدی دیگران بوده است. هرگاه در دوره صفویه با همین نوع حقوق مالکیت ناکارآمد هم امنیتی حاصل می‌شد، اوضاع اقتصادی بهبود می‌یافت، زیرا بازارهای اقتصادی در سایه امنیت ایجاد شده رونق می‌یافت، اما در زمان نبود امنیت شرایط تبدیل به نداشتن اطمینان می‌شد. نبود امنیت هزینه مبادله را برای خریدار و فروشنده افزایش می‌داد، و این افزایش سبب بالا رفتن هزینه‌های حقوق مالکیت شد. بالا رفتن هزینه مبادله یکی از عواملی بود که باعث کاهش تجارت خارجی ایران در اواخر دوره صفویه شود.

۱۰- منابع

- اولئاریوس، آدام (۱۳۸۵)، *سفر نامه آدام اولئاریوس (ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی)*، ترجمه احمد بهپور، چاپ دوم، تهران:انتشارات ابتکار نو.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۵۷). *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: انتشارات صفی علیشاه، چاپ دوم.
- تاورنیه، باتیست (۱۳۸۳). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ترکمان،اسکندربیگ (۱۳۷۷). *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- تطیلی، بنیامین، تنررو، آنتونیو و میکائیل ممبره (۱۳۹۳)، *سه سفرنامه (از زمان سلطان سنجر و اوایل صفویه)*، ترجمه حسن جوادی و ویلم فلور، تهران: انتشارات دکتر محمد افشار.
- داب،موریس (۱۳۷۹). *مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه‌داری*، ترجمه حبیب‌الله تیموری، تهران: نشر نی.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

- دالمانی، هنری (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه فره‌وشی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دلاواله،پیتر (۱۳۷۰). *سفرنامه پیتردلاواله (قسمت مربوط به ایران)*، ترجمه شجاع الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- رحیم‌لو، یوسف (۱۳۹۳). *دنباله ایلخانان تا ظهور صفویان*، تاریخ جامع ایران، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد دهم، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- رضاقلی، علی (۱۳۸۵). نهادهای غارتی در اقتصاد ایران (اگر نورث ایرانی بود)، *اقتصاد و جامعه*، سال دوم، شماره هفتم، صص ۱٦۵-۹٦.
- سانسون(۱۳٤٦). *سفرنامه سانسون (وضع شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)*، ترجمه دکتر تقی تفضلی، تهران: انتشارات ابن سینا.
- سپنتا،عبدالحسین (۱۳٤٦). *تاریخچه اوقاف اصفهان*، اصفهان: انتشارات اداره کل اوقاف اصفهان.
- سیف،احمد (۱۳۸۰). *استبداد، مسأله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران*، تهران: نشر رسانش.
- شاردن، ژان (۱۳۷۵). *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: انتشارات طوس.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۱). *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- صمدی، علی‌حسین (۱۳۸۹). جایگاه حقوق مالکیت در اندیشه‌ها و مکاتب اقتصادی (با تأکید بر دیدگاه نهادگرایان جدید)، *فصلنامه حقوق*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ٤۰، شماره ۳، صص ۲٤٦-۲۲۹.
- طیب‌نیا، علی، نیکونسبتی، علی (۱۳۹۲). نهادها و رشد اقتصادی، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، سال هجدهم، شماره ۱، صص ۱۳۲-۱۰۹.
- عجم‌اوغلو، دارن، رابینسون، جیمز (۱۳۹٤). *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟*، ترجمه محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی‌پور، تهران: انتشارات روزنه، چاپ دوم.
- فلور، ویلم (۱۳۹٤). *تاریخچه مالی- مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجار*، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر تاریخ ایران.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

- فوران، جان (۱۳۸۸). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ نهم.
- کارری، جملی (۱۳٤۸). *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، [بی جا]، انتشارات فرانکلین.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳٦۳). *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ سوم.
- کیوانی امینه، محمد (۱۳۸۵). آشنایی با مکتب نهادگرایی، *فصلنامه اندیشه صادق*، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۱۹-۹۱.
- کیوانی، مهدی (۱۳۹۲). *پیشه‌وران و زندگی آن‌ها در عهد صفویه*، ترجمه یزدان فرخی‌راهی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گرونیوگن، جان؛ اسپهوون، آنتون، ون‌دن‌برگ، آنت (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر اقتصاد نهادگرا*، ترجمه اصلان قودجانی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۹۳). *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- لمتون،ان.ک.اس (۱۳٦۲). *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- متوسلی، محمود و محمدباقر نجفی (۱۳۸۸). ابزارهای تحلیل و تبیین مسائل اقتصادی از دیدگاه داگلاس نورث، *مجله اقتصاد و جامعه*، سال ششم، شماره نوزدهم و بیستم، صص ۱۰۷-۸۱.
- متی، رودلف (۱۳۹۳)، *ایران در بحران (زوال صفویه و سقوط اصفهان)*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- مشهدی احمد، محمود (۱۳۹۲). معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا: نگاهی به اختلاف موجود بین نهادگرایی قدیم و جدید و نقش نهادها در مناسبات اقتصادی، *فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی*، سال سیزدهم، شماره ٤۸، صص ۷۷-٤۹.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

- مشیزی، میر محمد سعید (۱۳٦۹). *تذکره صفویه کرمان*، تصحیح باستانی پاریزی، تهران: نشر علم.
- ملکم، سرجان (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: انتشارات افسون.
- منجم، ملاجلال‌الدین (۱۳٦٦). *روزنامه ملاجلال*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: انتشارات وحید.
- مینورسکی (۱۳۳٤). *سازمان اداری حکومت صفوی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: نشریه سوم.
- نایب، سعید (۱۳۸۸). یک ارزیابی تاریخی از وضعیت حقوق مالکیت در ایران با رویکرد نونهادگرایی، *اقتصاد و جامعه*، سال ششم، شماره بیست و یکم و بیست و دوم، صص ۲۷٤–۲۵۳.
- نورث، داگلاس (۱۳۷۹). *ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی*، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: انتشارات نی.
- نورث، داگلاس (۱۳۸۵الف). *نهادها،تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- نورث، داگلاس (۱۳۸۵ب). عملکرد اقتصادی در گذر زمان، *مجله راهبرد توسعه*، ترجمه مهدی بی‌نیاز، تابستان ۸۵، شماره ۸، صص ۲۸۱–۳۰۰.
- نویدی، داریوش (۱۳۸٦). *تغییرات اجتماعی- اقتصادی در ایران عصر صفوی*، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: نشر نی.
- نیومن، اندرو (۱۳۹۲). *ایران عصر صفوی (نوزایی امپراطوری ایران)*، ترجمه بهزاد کریمی، تهران: شرکت نشر نقد افکار.
- وحید قزوینی، محمد طاهر (۱۳۲۹). *عباسنامه*، به تصحیح ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داوودی اراک.
- ولی، عباس (۱۳۸۰). *ایران پیش از سرمایه‌داری*، ترجمه حسن شمس‌آوری، تهران: نشر مرکز.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۹). *اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)*، ترجمه محمد رضا نفسیی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ شانزهم.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]

– همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۲). *نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران (نفت و توسعه اقتصادی)*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم.
– همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۳). *ایران، جامعه کوتاه مدت و ۳ مقاله دیگر*، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: نشر نی، چاپ ششم.
- Bernie , F.(1981). *Travels in the mongol Empire*. Oxford University, London.
- Floor, Willem. M. (2000). *The Economy of Safavid Persia*. Wiesbaden, Reichert.
- Herbert , T. (1928). *Travels in Persia 1627-1629*. New edition, London.
- North, Douglass C., Institution’s, *Journal of Economic Perspective*, Vol.5, No.2, 1991, p.97-112
- North, D., J. Wallis., B. Weingast (2009). *Violence and social order*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Klein, Peter. G. (1999). *New Institutional Economics*: Encyclopedia of Law and Economic. In B. Boudewijn & Grrit De Geest. Edward Elgar, pp. 456-465.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-25]